



## نقش انکارناپذیر جمهوری اسلامی در وقوع فجایع ناشی از سیل



باران بیاید یا نیاید؟ باران نیاید، تولیدات کشاورزی که هیچ، مردم حتا برای آب آشامیدنی هم در مضیقه قرار می‌گیرند. اما اگر باران بیاید، در کشوری به وسعت ایران، مردم ستمدیده آن همچنان برای آب آشامیدنی در مضیقه قرار خواهند داشت، چرا که دیوصفتان حاکم کاری با طبیعت کرده‌اند که به جای سیراب شدن لب‌های تشنه، سیل نیز به مصیبت‌های دیگرشان اضافه شود.

به‌گفته‌ی مدیر کل دفتر "کنترل سیلاب و درصفاحه ۳

## تیغ پیک هفتم کرونا بر گلوی مردم ایران

بعد از گذشت چند ماه که توده های مردم ایران از مرگ و میر ناشی از کرونا نجات یافته بودند، هم اینک سویه جدیدی از ویروس مرگبار کرونا سراسر جامعه را فرا گرفته است. سویه جدیدی به نام BA-5 که علائمی شبیه آنفلانزا دارد، دوره نهفتگی آن ۳ تا ۵ روز و تفاوت آن با سویه اومیکرون، در بروز اختلالات بویایی و چشایی نزد مبتلایان است. ویژگی دیگر سویه جدید کرونا، سرعت بالای انتقال آن است و مهمتر اینکه کودکان نسبت به آن در معرض آسیب پذیری بیشتری قرار دارند.

در ارتباط با سرعت انتقال این ویروس جدید، معاون امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی بهشتی تهران هشدار داده که ضریب سرایت این سویه بسیار بالاست و هر نفر می تواند تا ۱۸ نفر را مبتلا کند. محمد رضا سهرابی تاکید کرده وقتی گردش ویروس سویه جدید، چنین سرعت بالایی داشته باشد، مهمترین نگرانی، رخ دادن یک جهش دیگر است. لذا، به رغم زمان کوتاهی که از شیوع سویه جدید کرونا در ایران می گذرد، بسیاری از مناطق ایران به وضعیت قرمز و نارنجی در آمده، آمار مرگ و میر روزانه بالا رفته و تعداد مبتلایان روزانه نیز به طرز غیر قابل تصویری بالا رفته است. طبق آخرین آمار اعلام شده توسط مقامات بهداشتی کشور، این روزها تعداد مبتلایان از مرز ۱۰ هزار نفر در روز فراتر رفته، آمار کشته شدگان در ۹ مرداد به ۶۱ نفر رسید، در حال حاضر ۱۲۰ شهرستان در وضعیت قرمز، ۱۱۲ شهرستان در وضعیت زرد و ۵۰ نارنجی، ۱۶۶ شهرستان در وضعیت آبی قرار دارند.

همچنین بر اساس اطلاعات تا کنونی، این سویه جدید، واکسیناسیون گریز است و حتی کسانی که سه مرحله از واکسیناسیون را انجام داده اند در معرض خطر ابتلا به این سویه جدید قرار دارند و تنها شانس شان مرگ و میر کمتر است. اما کسانی که تنها دو مرحله از تزریق واکسیناسیون یا کمتر را انجام داده اند، علاوه بر سرعت ابتلا با تشدید مرگ و میر هم مواجه اند. در همین رابطه معاون دانشگاه علوم پزشکی بهشتی تهران اعلام کرده است، شیوع سویه های جدید کرونا در ایران اگرچه سیستم ایمنی و اثر واکسن را دور می زنند و واکسن ممکن است از پیشگیری این سویه های جدید جلوگیری نکند، اما مانع بستری شدن یا مرگ و میر بیش از ۸۰ درصد مبتلایان خواهد شد.

درصفاحه ۲

## تشدید سرکوب و ادامه مبارزه در فولاد

درصفاحه ۵



## یورش وحشیانه به زنان جز رسوایی و شکست چیزی عاید رژیم نکرد

به عقب‌نشینی و تبعیت از مقررات ارتجاعی حجاب اجباری وادارد. در این فاصله نمونه‌های متعددی از وحشی‌گری پلیس‌های گشت ارشاد که در خیابان‌ها به جان زنان افتادند در شبکه‌های اجتماعی انتشار یافته است. در همین حال دولت اسلام‌گرای شیعه برای این‌که نشان دهد در وحشی‌گری اسلامی گوی سبقت را حتی از اسلام‌گرایان رقیب سنی از قماش داعش و طالبان نیز ربوده است، به زندگان بسنده نکرد و هم‌زمان با یورش به زنان اعلام نمود، مرده‌ها نیز از این‌پس باید حجاب اجباری را رعایت کنند.

مقامات حکومت اسلامی برای حراست از ارتجاع اسلامی ناب محمدی‌شان تصمیم گرفتند که در قبرستان‌ها نیز ضوابط کامل اسلامی به مرحله اجرا گذاشته شود و براین اساس اعلام

درصفاحه ۸

تعرض وحشیانه اخیر پاسداران کهنه‌پرستی و ارتجاع دینی به زنان در مراکز و معابر عمومی که در چند هفته گذشته تحت عنوان مقابله با بی‌حجابی با یورش مزدوران گشت ارشاد و بسیجی آغاز شده بود، با رسوایی دیگری برای رژیم حاکم بر ایران به شکست انجامید.

رژیم ارتجاعی و زن‌ستیز جمهوری اسلامی همراه با تشدید سرکوب و بازداشت گروه کثیری از فعالان کارگری، معلمان، نویسندگان و فعالان زن، از اوایل تیرماه تلاش نمود با گسیل گله‌های پلیس گشت ارشاد و بسیجی به خیابان‌ها، پارک‌ها و درون وسایل نقلیه عمومی، تعرض جدیدی را علیه زنانی که به مبارزه با حجاب اجباری برخاسته و حتی در مواردی آن را به‌کلی به دور افکنده‌اند، سازمان دهد تا از طریق این وحشی‌گری و ایجاد جو رعب و وحشت، زنان را

## بر علیه سرکوب،

## حربه زنگ زده جمهوری اسلامی

درصفاحه ۶

## زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

## تیغ پیک هفتم کرونا بر گلوی مردم ایران

موج هفتم کرونا در شرایطی ایران را فرا گرفته است که هنوز اثرات مخرب و مرگبار پیک های قبلی این ویروس خطرناک در جای جای جامعه باقی است. هنوز آثار زخم صدها هزار جان باخته موج های پیشین کرونا بر جسم و جان توده های مردم ایران خون چکان است. هنوز فرمان فاجعه بار خامنه ای که ورود واکسن های معتبر جهانی نظیر فایزر را به ایران ممنوع کرد، در گوش مردم طنین انداز است. هنوز کابوس مرگبار پیک های اول تا ششم کرونا بر شانه های مردم ایران سنگینی می کند و انبوه خانواده هایی که ناقوس مرگ کرونا بر بام خانه شان به صدا در آمد، همچنان سوگوار و سیه پوشند.

حال در چنین وضعیت مرگبار به جا مانده از پاندمی دوره های قبلی کووید ۱۹، موج هفتم کرونا نیز در ایران گسترش یافته است. موج جدیدی که با توجه به بی کفایتی مسئولان جمهوری اسلامی ایران نگرانی های عمیقی را در میان توده های مردم و کادر درمانی دامن زده است. این نگرانی بیشتر از آن جهت قابل تامل است که هنوز نیمی از جمعیت ایران از دست یابی به تزریق دوز سوم واکسن کرونا محروم مانده اند.

پوشیده نیست این عدم پیشرفت اجرای واکسیناسیون کامل توده های مردم ایران که ریشه در بی توجهی هیات حاکمه نسبت به جان و زندگی مردم دارد، بر گسترش نگرانی های موجود دامن زده است. شیوع موج هفتم کرونا و کشتار دوباره مردم ایران در شرایطی آغاز شده است که اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان با تزریق کامل مراحل سه گانه و بعضا مرحله چهارم واکسیناسیون کرونا به شرایط عادی زندگی باز گشته اند و چنانچه سویه های جدیدی هم در این کشورها ظاهر شود، دست کم تعداد مبتلایان بسیار پایین و مهمتر از آن مبتلایان جدید کرونا با خطر مرگ مواجه نیستند. در جمهوری اسلامی اما شرایط برای مردم ایران به گونه ای کاملا متفاوت با مردم دیگر کشورهای جهان رقم خورده است.

از بهمن ماه ۱۳۹۸ که موج اول کرونا در ایران شیوع یافت، تا به امروز دو سال و نیم گذشته است. به رغم گذشت چنین زمان طولانی، هنوز امر اجرای واکسیناسیون عمومی توسط مقامات جمهوری اسلامی جدی گرفته نشده است. با گذشت ۶ مرحله از پاندمی کرونا و به رغم اینکه بر طبق آمار رسمی دولتی مجموع جان باختگان این بیماری، به ۱۴۱ هزار و ۹۹۸ نفر رسیده، هنوز نیمی از مردم ایران از دریافت دوز سوم واکسن کرونا محروم مانده اند. علاوه بر عدم اجرای واکسیناسیون سراسری که خطر مرگ و میر ناشی از پیک هفتم را افزایش می دهد، کمبود کادر پرستاری، خستگی و فرسودگی طولانی مدت آنان طی دو سال و نیم مواجهه با ویروس کرونا نیز مزید بر علت شده تا نگرانی ها در مورد شیوع پیک هفتم افزایش یابد. حال در چنین وضعیتی که پیک هفتم کرونا بر گلوی

از همیشه وضعیت کاری کادر درمانی و پرستاری کشور را با سختی کار و مشکلات روانی مواجه می کند. وضعیتی که اثرات زیانبار آن مستقیما به چشم بیماران می رود.

حال در چنین وضعیتی از نابسامانی و ناکارآمدی سیستم درمانی کشور و در شرایطی که نیمی از جمعیت کشور دوز سوم واکسن کرونا را تزریق نکرده اند و عملا در معرض خطر ابتلا به سویه جدید کرونا و مرگ و میر ناشی از آن قرار دارند، مسئولان جمهوری اسلامی به جای اینکه به فکر سلامت و جان مردم باشند، بیشتر به فکر اجرای هر چه پرسروصداتر مراسم سوگواری در ایام ماه محرم هستند.

در وضعیتی که پیک هفتم کرونا بر گلوی مردم ایران تیغ می کشد و میزان مبتلایان و مرگ و میر ناشی از آن به شدت در حال افزایش است، وحیدی، وزیر کشور جمهوری اسلامی در پاسخ به سوال خبرنگار مهر مبنی بر اینکه آیا امسال هیات ها اجازه دارند در فضای بسته مراسم برگزار کنند یا خیر، با وقاحت تمام و در کمال بی مسئولیتی گفت: بله برگزاری مراسم در فضای بسته با رعایت فاصله گذاری مشکلی ندارد. پاسخ وزیر کشور مبنی بر اینکه برگزاری هیات های سینه زنی و عزاداری ماه محرم در فضاهای بسته بلامانع است، خود دلیل دیگری بر بی توجهی مقامات جمهوری اسلامی نسبت به جان و زندگی مردم است.

این بی توجهی جمهوری اسلامی نسبت به جان و زندگی مردم فقط در مواجهه با پاندمی کرونا نیست، بلکه می توان آن را در تمام عرصه های جامعه به عینه دید. بی توجهی و بی مسئولیتی جناپتکارانه جمهوری اسلامی در مواجهه با پاندمی کرونا، تنها یک وجه از اقدامات مرگبار این رژیم نسبت به زندگی توده های مردم ایران است. توده هایی که در مواجهه با کرونا، همواره به حال خود رها شده اند و بدون برخورداری از کمترین امکانات بهداشتی و درمانی پیشگیرانه در اتوبوس و مترو کیپ هم ایستاده اند و تنها امیدشان به همان ماسکی است که بر دهان و بینی خود دارند. جمهوری اسلامی نیز بجز توصیه ماسک نه تنها کمترین اقدامی برای مقابله با پیک هفتم کرونا انجام نمی دهد، بلکه با تشویق هیات های مذهبی برای برگزاری مراسم عزاداری محرم در فضاهای بسته، عملا زمینه را برای شیوع بیشتر کرونا و پیامد آن کشتار وسیعتر مردم فراهم می کند. سیاست مرگباری که طی ۴۴ سال تکرار شده و در دوران کرونا به شکلی عریان تر از پیش به اجرا در آمد و اکنون با شروع پیک هفتم کرونا باز هم آشکارتر شده است.

اجرای این سیاست مرگبار جمهوری اسلامی، تنها یک پیام دو سویه برای عموم توده های مردم ایران دارد. سویه اول این پیام این است که استمرار جمهوری اسلامی بجز مرگ و کشتار و سرکوب و بی حقوقی هیچ ثمر دیگری برای کارگران و زحمتکشان ایران ندارد، و سویه دوم این پیام این است که تنها با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت شورایی کارگران و زحمتکشان است که می توان از وضعیت مرگبار کنونی رهایی یافت.

مردم ایران چنگ انداخته است، شیوع وبا در کردستان و مناطقی از تهران و مرگ و میر ناشی از آن و همچنین وقوع سیل در چندین استان کشور هم مزید بر علت شده است، تا این بار سمفونی مرگ در مناطق وسیعتری از کشور به طور کامل به اجرا در آید.

کمبود کادر پرستاری، شرایط نامساعد کاری، حقوق ناچیز و خستگی ناشی از ساعات کار طولانی که بعضا تا ۱۸ ساعات در روز هم می رسد، از جمله معضلاتی هستند که تا کنون به ویژه در دوران پاندمی کرونا لطمات شدیدی را به جامعه پرستاری و عموم توده های مردم ایران وارد کرده است. به رغم چنین حجمی از فشار کاری که بر دوش پرستاران زحمتکش ایران است، اما حقوق آنان در مقایسه با پرستاران دیگر کشورها در نازل ترین سطح جهانی قرار دارد. جدای از حقوق ناچیز، تحمل سختی کار و انجام اضافه کاری اجباری، کمبود فاحش کادر پرستاری یکی از معضلات اساسی جامعه پرستاری و کادر درمانی ایران است که از گذشته تا به امروز همچنان باقی مانده است.

از آنجائی که اعلام دقیق کمبود پرستار در ایران، بخشی از ناکارآمدی سیستم درمان و بهداشتی جمهوری اسلامی را آشکار می کند، مسئولان وزارت بهداشت هرگز علاقه ای به دادن آمار دقیق در مورد کمبود کادر پرستاری ندارند و به شیوه های مختلف از دادن آمار واقعی پرهیز می کنند. با این همه و به رغم داده های غیر واقعی وزارت بهداشت، در مواردی آمارهایی اعلام می شوند که تا حدودی عمق فاجعه کمبود کادر پرستاری در ایران را نشان می دهند. برای نمونه، معاون وقت پرستاری وزارت بهداشت جمهوری اسلامی در سال ۹۷ از کمبود ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار کادر پرستاری در ایران خبر داد. رقمی که با توجه به میزان بازنشستگی ۶ هزار پرستار در سال و عدم استخدام همین میزان پرستار جدید برای جایگزینی و نیز با توجه به میزان پرستارانی که به گفته محمد تقی جهانپور، معاون پارلمانی سازمان نظام پرستاری که اعلام کرده است ماهانه حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ پرستار از ایران مهاجرت می کنند، باید اذعان کرد که در شرایط امروز کشور کمبود پرستار در مقایسه با سال های گذشته نه تنها کاهش نیافته، بلکه بیشتر هم شده است.

مهاجرت پزشکان و پرستاران به کشورها دیگر اگر چه امر تازه ای نیست، اما در سال های اخیر گسترش یافته و به امری روتین تبدیل شده است، تا جاییکه محمد تقی جهانپور، مساعد نبودن وضعیت استخدامی، وضعیت مالی و معیشتی، نبود امنیت شغلی و نداشتن تسهیلات رفاهی، فرسودگی شغلی و میزان بالای سختی کار را از عوامل مهاجرت پرستاران به کشورهای غربی عنوان کرده است.

طبق آمارهای منتشره، هم اینک در اغلب کشورهای پیشرفته جهان به ازای هر هزار نفر جمعیت، تا ۵ تا ۱۰ کادر پرستاری مشغول به کار هستند. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اما این رقم به میزان ۱/۶ نفر و در بعضی از شهرها به کمتر از یک نفر رسیده است. پوشیده نیست، کمبود کادر پرستاری خصوصا در شرایط شیوع کرونایی که بیمارستان ها و مراکز درمانی با فشاردگی مبتلایان کرونا مواجه می شوند، بیش

## نقش انکارناپذیر جمهوری اسلامی در وقوع فجایع ناشی از سیل



از آمار رسمی باشد.

در یزد و با شکستن سیل‌بند خاکی زردین، سیل به شهر یزد رسید و آب و گل‌ولای وارد بسیاری از خانه‌ها شد. همچنین برخی از دیگر استان‌های کشور از جمله مازندران در وضعیت هشدار سیل قرار دارند. براساس اخبار منتشره جاده هراز و چالوس به دلیل رانش زمین در اثر باران تا اطلاع ثانوی بسته شده‌اند. سیل همچنین به خانه‌ها، جاده‌ها، ایستگاه‌های انتقال برق و دیگر زیرساخت‌های مناطق سیل‌زده آسیب رساند. به محصولات کشاورزی نیز به اعتراف مقامات حکومتی تا اینجا ۶ هزار میلیارد تومان خسارت وارد شده است. براساس اخبار منتشره تاکنون ۱۱۱ شهر در ۲۰ استان دچار سیل و آب‌گرفتگی شده و پیش‌بینی می‌شود شهرها و روستاهای بیشتری دچار آب‌گرفتگی شوند.

سیستان و بلوچستان، تهران، فارس، کرمان، هرمزگان، قم، سمنان، مازندران، یزد، آذربایجان شرقی، خراسان جنوبی، گلستان، اصفهان، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری و مرکزی از جمله استان‌هایی هستند که مردم ستم‌دیده درگیر سیل و خرابی‌های ناشی از آن شده‌اند.

نابسامانی چنان گسترده است که حتی سعیدی نماینده مرتجع مجلس اسلامی از چابهار در رابطه با سیل اخیر می‌گوید: "هر بار می‌گوییم با توجه به محدودیت منابع آبی در استان سیستان و بلوچستان حداقل برای مهار این آب باید راهکاری اتخاذ شود که این راهکار مشخصا ایجاد بند بتنی در مسیر رودخانه باهو بوده است و ما این پیشنهاد را بارها به وزرای جدید و قدیم نیرو ارائه داده‌ایم با این‌همه هیچ اتفاقی رخ نداده است و هر سال میلیون‌ها مترمکعب آب به دنبال بارندگی‌ها به دریا می‌ریزد و مردم از این میزان آب محروم شده و نمی‌توانند از آن استفاده‌ای کنند... در سال ۹۸ بالغ بر یک میلیون متر مکعب آب از همین مسیر به دریا ریخت و تدبیری نشد".

باید توجه کرد که خسارت سیل مثلا در شهر زاهدان در اثر بارش ۲۶ میلیمتری باران رخ داده است. این نشان می‌دهد که در طول این سال‌ها چه بلایی جمهوری اسلامی بر سر این سرزمین و آب و خاک آورده است. واقعیت این

در صفحه ۴

بنابراین مردم از خطری که در کمین آن‌ها بود آگاهی نداشتند. همچنین به‌رغم سابقه سیل در این منطقه هنوز ابزارهایی که بتواند به مردم وقوع سیل را هشدار بدهد وجود ندارند. خبرگزاری دولتی "ایمنا" در این رابطه از نبود دستگاه‌های باران‌سنج خودکار برای هشدار سیل ناگهانی، رادار پیشرفته هواشناسی و عدم کارایی ایستگاه‌های باران سنجی خبر داد. دستگاه‌هایی که با هزینه‌های ناچیز می‌توانستند مانع از دست رفتن جان انسان‌ها از جمله ۸ کودک شوند.

همی این‌ها نشان می‌دهد که جان مردم معمولی برای حاکمان اسلامی تا آن حد بی‌ارزش است که حتا وقوع سالانه سیل در این مناطق باعث نشد که اقدامی برای جلوگیری از وقوع سیل انجام دهند و یا حداقل هشدار به مردم مناطق سیل‌خیز داده شود. در جریان سیل‌های سال‌های گذشته نیز شاهد همین واقعه هستیم و تنها پس از وقوع سیل مقامات دولتی با کلی وعده‌و وعید و گرفتن عکس‌های یادگاری وارد می‌شوند و با پایان یافتن ماجرا نیز همه وعده‌ها به فراموشی سپرده شده و آب از آب تکان نمی‌خورد.

براساس اخبار منتشره تاکنون سیل در سیستان و بلوچستان منجر به کشته شدن ۵ نفر از جمله سه کودک و یک راهدار شده است. در کرمان ۴ نفر از جمله یک دختر ۸ ساله، در رودهن یک نفر، در استان مرکزی یک نفر و در مافشان (استان زنجان) ۲ نفر در اثر سیل جان خود را از دست دادند. در تهران نیز راه افتادن سیل در "امامزاده داود" تاکنون منجر به کشته شدن ۱۱ نفر شده و



حداقل ۱۹ نفر مفقود هستند. رانش‌کوه در فیروزکوه و به‌ویژه روستای زرین‌دشت نیز خسارات جانی و مالی بسیاری برجای گذاشت. به‌گفته‌ی مقامات دولتی در فیروزکوه تاکنون ۱۱ نفر کشته و ۱۶ نفر مفقود شده‌اند. همچنین ۹۰ درصد روستای مزاران در فیروزکوه زیر گل‌ولای فرو رفته است. در طالقان ۷۰ خودرو در سیلاب غرق و مچاله شدند. از میزان کشته‌ها اما خبری منتشر نگردید. واقعیت این است که اگرچه مقامات حکومتی تعداد جان باختگان سیل را تاکنون ۶۹ نفر اعلام کرده‌اند، اما براساس تجربه و دروغ‌گویی مقامات حکومتی، آمار جان باختگان متأسفانه می‌تواند بیشتر و بسیار فراتر

آبخیزداری سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری "جمهوری اسلامی"، در سال ۹۹ از مجموع ۱۹۱ مورد بارش موثر در سطح حوزه‌های آبخیز، ۱۱۳ مورد سیل کوچک و بزرگ منجر به خسارت در ۲۲ استان کشور شده است.

البته این روایت هر سال و همیشگی برای مردم ایران است، مانند سیل فروردین ۹۸ که بسیاری از استان‌ها از شمال کشور تا جنوب را فرا



گرفت، شهرهای بسیاری را ویران ساخت و قربانیان بسیاری برجای گذاشت، چنان‌که تنها در شیراز ۲۱ نفر جان باختند. در اردیبهشت ماه سال گذشته نیز سیل در برخی از استان‌ها از جمله کرمان و سیستان و بلوچستان خسارات جانی و مالی بسیاری برجای گذاشت، از جمله ۶ تن از کارکنان اداره برق کرمان طعمه سیل شدند. این بار نیز سیل جان ده‌ها تن از مردم را گرفت. گزارش رسمی دولتی تا روز ۹ مرداد، کشته‌ها را ۶۹ تن و ۴۵ تن را مفقود اعلام کرد. این آمار در حال افزایش است. سیل، خانواده‌های بسیاری را داغ‌دار کرد و زندگی‌های بسیاری را ویران ساخت.

در جریان سیل اخیر که از روز جمعه ۳۱ تیر آغاز شد، تنها در منطقه رودبال استهبان ۲۲ نفر جان خود را از دست دادند. به‌گفته‌ی معاون عملیات امداد و نجات هلال احمر استان فارس، هشدار اهالی منطقه به کسانی که در بستر رود بودند، باعث کاهش تلفات شد و گرچه تعداد تلفات به ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر می‌رسید. در فیلم‌های منتشره از سیل استهبان نیز دیده می‌شود که چگونه مردم از بالا، آن‌هایی را که در پایین دره هستند، از آمدن سیل خبردار کرده و باعث نجات آن‌ها می‌شوند. به‌نوشته‌ی رسانه‌های جمهوری اسلامی سه جوان که یکی از آن‌ها کارگر واحد تولیدی پرورش ماهی بود، در بالادست رودخانه رودبال متوجه سیلاب شده و هر کدام با موتور به سمتی راه افتاده و مردم را از وقوع سیل باخبر می‌کنند.

نکته بسیار تاسف‌بار این واقعه که خانواده‌های بسیاری را داغ‌دار کرد این است که اداره هواشناسی استان فارس روز جمعه را از نظر وضعیت آب‌وهوایی زرد اعلام کرده بود و

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی  
و قیام مسلحانه برانداخت**



## نقش انکارناپذیر جمهوری اسلامی در وقوع فجایع ناشی از سیل



است که خاک باید بتواند آب را در خود جذب کند و اگر این اتفاق نمی‌افتد به دلیل آن است که خاک فقیر شده و قدرت جذب آب را از دست داده است و به همین دلیل باران به جای آن‌که مردم را خوشحال کند به سیل و عزای مردم تبدیل می‌شود. اما حکومت می‌توانست با اقداماتی که تنها مختصری هزینه داشتند از وقوع سیل و یا حداقل از شدت خرابی‌های آن بکاهدند. اقداماتی



که می‌توانست بخشی از مشکلات کمبود آب کشور را حل کند، اما دغدغه جمهوری اسلامی این امور نیست. جمهوری اسلامی هزاران برابر این پول‌ها را خرج موشک و توپ و تفنگ می‌کند، اما به مردم و آبادی کشور که می‌رسد پولی نمی‌ماند.

حکومتی که از سوپی با نارضایتی عمیق توده‌های مردم و یک بحران انقلابی روبروست و از سوی دیگر بخش بزرگی از بودجه صرف نهادهای نظامی و ادوات جنگی می‌شود؛ و البته فراموش نکنیم فساد سیستماتیک حاکم را که پولی برای فعالیت‌های عمرانی باقی نمی‌گذارد.

برای نمونه در هیچ کشوری در دنیا نمی‌توانید این همه پروژه‌های "عمرانی" نیمه تمام ببینید. به‌گفته‌ی نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس اسلامی ۱۰۰ هزار پروژه عمرانی نیمه تمام در کشور وجود دارد!! معنای واقعی این حجم از پروژه‌های عمرانی نیمه کاره فساد و دزدی حاکمان است. پروژه‌های عمرانی نه برای عمران و آبادی کشور که تنها برای چپاول و ثروت‌اندوزی دزدان حاکم است. مگر می‌شود ۱۰۰ هزار پروژه عمرانی کلید بخورد، هزاران میلیارد تومان از بودجه برای هر کدام از این پروژه‌ها هزینه شود، اما حاصلی نداشته باشند و اغلب آن‌ها شاید هیچ وقت به پایان خط نرسند؟ تنها پاسخ به این واقعیت دزدی مقامات است که این پروژه‌ها را با زدوبند کلید می‌زنند و تحت عنوان کار عمرانی پول‌ها را بالا می‌کشند.

یکی از این پروژه‌های به‌اصطلاح عمرانی "احیای دریاچه ارومیه" است که به ادعای مقامات جمهوری اسلامی تاکنون ۱۵ هزار میلیارد تومان برای آن هزینه شده اما نتیجه زیر صفر است. به این معنا که سال به سال از سطح و عمق دریاچه ارومیه کاسته شده به نحوی که امروز ۹۵ درصد دریاچه ارومیه خشک شده است. واقعه‌ای که می‌تواند برای کل منطقه حتماً تا تهران فاجعه‌ی محیط زیستی بزرگی پدید آورد، جدا از آن‌که کل کشاورزی منطقه در خطر نابودی قرار می‌گیرد.

جمهوری اسلامی با وقاحت از حرکت به سمت

خودکفایی در بخش کشاورزی سخن می‌گوید، اما همین امسال نزدیک نیم میلیون نفر از شاغلان بخش کشاورزی به دلیل نبود آب کاسته شد، جمعیتی که برای نجات از گرسنگی به حاشیه شهرها پناه خواهند آورد. جمهوری اسلامی به‌جای برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری برای رونق بخشیدن به بخش کشاورزی، تنها بهره‌کشی بی‌حساب و کتاب از خاک و آب را فهمید و نتیجه‌ی آن را امروز در سیل، کم‌آبی، فرونشست زمین و رها شدن زمین‌های کشاورزی می‌بینیم.

بسیاری از رودخانه‌ها به دلیل دخالت‌های بی‌جا در امور طبیعت از جمله تغییر مسیر حرکت آب رودخانه و دیگر اقدامات نسنجیده خشک شده‌اند. استفاده نادرست از آب‌های زیرزمینی موجب فرونشست زمین در بسیاری از نواحی کشور شده است. اصفهان یکی از این مناطق است که فرونشست زمین به مرکز شهر رسیده است. در همان روزی که سیل به تهران رسید، یکی از خیابان‌های اصلی تهران شاهد فرونشست زمین بود.

در روزهای گذشته مهدی بابایی، نایب رئیس کمیسیون محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران، وضعیت فرونشست زمین در مناطق ۱۸ و ۱۹ پایتخت را «خطرناک» توصیف کرد. وی به خبرگزاری دولتی ایلنا گفت: «بیشترین نرخ فرونشست زمین در محدوده جنوب غربی تهران بزرگ یعنی در حریم شهر تهران و در مجاورت شهریار اتفاق افتاده که بعضاً فرونشست بالای ۲۰ سانتی متر در سال در این منطقه ثبت شده است».

کاهش آب ذخیره شده در سدها یک معضل دیگر است. در حالی که آب پشت سدها در سال گذشته نسبت به سال ۹۹ ۲۷ درصد کاهش یافته بود، در سال جاری نیز شاهد کاهش مجدد آب ذخیره شده در پشت سدها هستیم. تنها حجم آب پشت سدهای اطراف تهران نسبت به سال گذشته ۱۸ درصد کاهش یافته است. آب پشت سدها در بسیاری از مناطق حتماً پاسخگوی نیاز آب آشامیدنی مردم نیز نیست چه رسد به تامین آب برای بخش کشاورزی.

همه‌ی این اتفاقات می‌توانست نیافتد به شرطی که جمهوری اسلامی بخشی از پول همین مردم را خرج مردم و کشور می‌کرد. اما همان‌طور که در آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، مسکن و دیگر خدمات ضروری و نیازهای مردم این کار را نکرده و نمی‌کند، در این امور نیز هیچ کاری نخواهد کرد.

واقعیت این است که تمامی کشورهای جهان امروز با معضل تغییرات آب‌وهوایی روبرو هستند. در این میان بسیاری از دولت‌ها اقداماتی را برای مقابله با این تغییرات در دستور کار قرار داده‌اند که بتواند کشور را تا حدودی مصون سازد. حتماً دولت‌های مرتجع عربی منطقه، سرمایه‌گذاری‌های زیادی برای بهبود کیفیت خاک این کشورها انجام داده‌اند. اما در ایران تحت سلطه حاکمان فاسد و دزد و جنایتکار نه تنها شاهد هیچ اقدام مثبت و زیربنایی در این

امور نیستیم، بلکه شاهد نابود کردن طبیعت نیز هستیم که دولت در آن نقش بارزی دارد. نابودی جنگل‌ها، نابودی رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و تالاب‌ها، کاهش کیفیت خاک و گسترش بیابان نتیجه همین سیاست است. به اعتراف "سازمان محیط زیست جمهوری اسلامی"، سرعت استفاده از منابع آب زیرزمینی در ایران سه برابر استاندارد جهانی است که این برداشت بی‌رویه ۲۹۷ دشت از ۶۰۰ دشت ایران را نابود خواهد کرد. موسسه تحقیقاتی "اینتل لب" با تحلیل تصاویر ماهواره‌ای، فرونشست زمین در تهران را "یک بمب ساعتی بی‌صدا" نامیده و نوشته است: "قطعی برق، ترکیدگی لوله گاز، تغییر شکل ریل‌های قطار، فروچاله‌ها، کج شدن ساختمان‌ها و ترک خوردن جاده‌ها از جمله آثار فرونشست زمین است".

رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری جمهوری اسلامی نیز در اسفند سال گذشته با بیان این‌که: "هفت میلیون هکتار از بیابان‌های کشور در وضعیت فوق‌بحرانی قرار دارند و از جمله مخاطرات کشور موضوع آب، خاک و پوشش گیاهی است"، گفته بود: "اگرچه این مخاطرات تأثیر خود را در دراز مدت نشان می‌دهد اما امروز ما شاهد نتیجه این بحران‌ها در قالب سیل، ریزگرد، فرسایش خاک، خشک شدن قنات‌ها و کاهش سطح آب‌های زیر زمینی هستیم"، او همچنین گفت: "سالانه با ۱۶ تن فرسایش در هکتار مواجهیم". علی‌بیت‌اللهی یکی از مدیران "مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی" جمهوری اسلامی نیز گفته است برای جبران فرونشست زمین "کمتر از ده سال فرصت داریم".

اما واقعیت این است که فساد آن‌چنان در نظم پوسیده سرمایه‌داری ایران ریشه کرده است که نباید و نمی‌توان هیچ اقدامی را از سوی حکومت برای حل این معضلات به انتظار نشست.

جمهوری اسلامی مانند لشکریان مغول با بدترین جنایات و وحشی‌ترین روش‌ها همه چیز را نابود کرده و تنها خاک سوخته را بر جای گذاشته است. اما به‌رغم همه‌ی این واقعیت‌ها، این امید یک امید بزرگ و واقعی‌ست که دیری نخواهد پایید که سیلی بنیان کن، سیل توده‌های بی‌باخته، رژیم جمهوری اسلامی و تمامی فاسدان و دزدان حاکم را به زباله دان تاریخ بفرستد. آن‌گاه کارگران و زحمتکشانی که با برپایی حکومت شورایی، دولت را به عنوان ابزاری برای اعمال اراده‌ی خود به کار گرفته‌اند، از این خاک سوخته سرزمینی آباد و سرسبز خواهند ساخت.

## تشدید سرکوب و ادامه مبارزه در فولاد



هر بار با مقاومت تحسین‌برانگیز کارگران روبرو شده‌اند.

پس از اعتصاب کارگران در بهمن سال ۹۹ مدیریت شرکت بار دیگر درصد اخراج کارگران پیشرو برآمد و در نخستین روزهای فروردین ۱۴۰۰ پس از تعطیلات نوروزی، حراست شرکت از ورود ۲ تن از نمایندگان کارگران از جمله غریب حویزای که برای چندمین بار کارت تردد وی مسدود شده است، ممانعت به عمل آورد. اما حمایت گسترده کارگران فولاد از رفقای خود و هشدار به تجمع گسترده و اعتراض خیابانی، مدیریت شرکت را به عقب‌نشینی وادار کرد. در اعتصاب فروردین ۱۴۰۱ نیز بار دیگر کارت تردد ۳۰ تن از فعالان اعتصاب و کارگران پیشرو گروه ملی فولاد اهواز مسدود شد. روز ۲۷ فروردین کارگران گروه ملی فولاد در اعتراض به مسدود شدن کارت تردد همکاران و در حمایت از رفقای خود در مقابل استانداری خوزستان دست به تجمع زدند. علی‌رغم حضور پر عده نیروهای سرکوب، این تجمع روزهای بعد نیز ادامه یافت. کارگران هشدار دادند اگر کارت رفقایشان آزاد و محنوبیت برطرف نشود، علاوه بر اینکه در داخل شهر اهواز دست به تجمع راهپیمایی خواهند زد و تجمعات خود را به تهران مقابل مجلس و دفتر ریاست جمهوری نیز خواهند گشادند.

بدین‌سان کارگران متحد، بار دیگر مدیریت را به عقب‌نشینی وادار ساختند و مانع اخراج رفقای خود شدند. اما سایر خواست‌های کارگران مانند افزایش دستمزد، تأمین مواد اولیه کافی، برکناری "مدیران پروازی" و تضمین ادامه کاری شرکت که در هر اعتصاب تکرار شده بود، پاسخی نگرفت. این روند بیش از ۱۰ سال مدام در گروه ملی اهواز تکرار شده است. وقتی که در بهمن سال گذشته روند کاهش تولید، کمبود مواد اولیه، سیاست‌های ضد کارگری مدیران انتصابی غارتگر، برای چندمین بار فولاد اهواز را در معرض خطر تعطیلی قرار داد، کارگران بار دیگر وارد اعتراض و اعتصاب شدند و اوضاع بحرانی و بی‌ثبات شرکت را هشدار دادند. از پی آن همایش‌های متعددی در تالار اجتماعات و همچنین جلسات گوناگونی با مدیریت و مقامات بلندپایه دولتی استان و شورای تأمین و غیره برگزار شد. اما هیچ نشانی از وجود اراده برای حل مشکلات فولاد دیده نشد. کارگران فولاد بار دیگر وارد خیابان شدند و دست به تجمع و راهپیمایی زدند. مشتکی وعده به کارگران داده شد و دیگر هیچ! شش ماه بعد از آن اعتصاب، بحران در گروه ملی فولاد بار دیگر حاد شده است. وقتی که در نیمه‌های تیرماه زمزمه اعتصاب به گوش حراست و مدیریت رسید، به خیال خود پیش‌دستی نموده و کارت تردد ۷ تن از نمایندگان کارگران را مسدود کردند. تجمع و اعتراض خیابانی نسبت به این اقدام که ۳۰ تیر آغاز شد، تا به امروز یکشنبه نهم مردادماه ۱۴۰۱ ادامه یافته است.

در صفحه ۶

بازنشسته بازداشت و به سلول‌های انفرادی بازداشتگاه سپاه منتقل شده‌اند که کماکان در زندان بسر می‌برند. ۳ تن دیگر از بازنشستگان که با پرونده‌سازی‌های مرسوم بازداشت و در سلول‌های انفرادی محبوس بودند پس از سپردن وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی به‌طور موقت آزاد شده‌اند. افزون بر این در ماه‌های قبل‌تر نیز چندین فعال کارگری در تهران و کردستان بازداشت شده‌اند. در شرکت موتوژن تبریز با تعدادی از کارگران معترض، تسویه‌حساب و سپس اخراج شده‌اند. چندین کارگر شرکت واحد نیز در جریان اعتصاب باشکوه خود در اردیبهشت سال جاری بازداشت شدند. حسن سعیدی و رضا شهابی دو عضو برجسته سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه پس از بازداشت و بازجویی‌ها و شکنجه‌های مکرر کماکان در زندان هستند.

نمونه بسیار بارز و مهم دیگر مسدود کردن کارت ۷ کارگر پیشرو گروه ملی فولاد اهواز است که مشروحاً به آن می‌پردازیم. در گروه ملی فولاد اهواز، پس از بالا گرفتن زمزمه اعتصاب در اواسط تیرماه و ادامه تلاش و فعالیت آگاه گرانه کارگران پیشرو و فعالین مورد اعتماد توده کارگران، مدیریت شرکت کارت تردد ۷ تن از این فعالان را مسدود نمود که تجمع اعتراضی کارگران در ۳۰ تیر و روزهای بعد از آن را در پی داشت. گروه زیادی از کارگران فولاد از ۳۰ تیر تاکنون در اعتراضات و تجمعات روزانه و مکرر خود، خواهان آزاد کردن کارت تردد همکاران خویش شده‌اند. مسدود کردن کارت تردد فعالان و ممانعت از ورود کارگران پیشرو به شرکت اگرچه در گروه ملی فولاد بی‌سابقه نیست اما این بار نیز مانند دفعات پیشین اعتراضات شدید کارگران را در پی داشته است. سیاست عمومی سرمایه‌داران که صد درصد مورد حمایت دولت است، اخراج و تعدیل و ارزان‌سازی و خاموش نگاه‌داشتن نیروی کار است. با هر موجی از احضار و بازداشت و اخراج، مقدم بر هر کس باید تکلیف گروهی از کارگران پیشرو، باسابقه و فعالان اعتصاب یکسره شود. کارگران گروه ملی فولاد اهواز در پایان اعتصابات مکرر خود دست‌کم در ۵ سال اخیر بارها شاهد اجرای چنین سیاستی بوده و کراراً مورد تعرض کارفرما و دستگاه امنیتی و قضائی رژیم قرار گرفته‌اند.

در جریان اعتراضات و اعتصابات کارگران گروه ملی فولاد اهواز در سال ۹۶، یک‌بار ۳ کارگر، بار دیگر ۱۰ کارگر پیشرو و فعال اعتصاب شبانه بازداشت و روانه زندان شدند. اوایل سال ۹۷ طی یک حمله شبانه ۳۵ کارگر و روز بعد ۱۵ کارگر فولاد بازداشت شدند. در اعتصابات و تجمعات و اعتراضات باشکوه خیابانی پاییز سال ۹۷ نیز ۴۲ کارگر و فعال اعتصاب بازداشت و تا چند هفته زندانی شدند. طی تمام این سال‌ها از پی هر اعتصاب و تجمع، مدیریت و حراست شرکت درصد انتقام‌جویی از کارگران برآمده و سعی کرده‌اند تکلیف کارگران پیشرو و فعالان اعتصاب را یکسره سازند و خاموشی و سکوت را بر کارگران تحمیل کنند اما

ارتجاع اسلامی حاکم، سیاست سرکوب را آشکارا تشدید نموده است. نشانه‌های این سیاست در همه جای جامعه محسوس و مشهود است. رژیم مستبد سرکوبگر جمهوری اسلامی، از تشدید سرکوب و استفاده آشکار از زور و فشار و بازداشت و زندان و اعمال قهر و خشونت علیه کارگران و زحمتکشان هیچ ابایی ندارد. نه فقط اصراری در پنهان کردن آن دیده نمی‌شود بلکه به شکلی عریان، سرگرم اعمال دیکتاتوری خشن خویش است. هیچ بخشی از توده‌های مردم و جنبش‌های اجتماعی از تشدید سرکوب و تعرض حکومت مصون نمانده است. زنان، معلمان، بازنشستگان، مادران و داخواهان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران، هنرمندان و سینماگران و کارگران هیچ‌کدام از داس سرکوب و فشار در امان نمانده‌اند.

سرکوب سیستماتیک کارگران و تشدید بیش‌ازپیش آن در چند هفته اخیر گویای این واقعیت است که طبقه حاکم نه‌فقط از ناحیه برآمدهای توده‌ای و انفجارات اجتماعی بسیار نگران و در هراس است، بلکه از ناحیه کارگران و گسترش اعتصابات کارگری و گذار آن به اعتصابات گسترده سراسری نیز به‌شدت نگران است. چنین است که کارگران در کارخانه‌ها، معادن و مؤسسات گوناگون تولیدی و خدماتی در سرتاسر کشور هر جا که دست به اعتراض می‌زنند و اعتصابی برپا می‌کنند، با شدت عمل و سخت‌گیری و سرکوب بیشتری از طرف کارفرما و حامیان دولتی آن روبرو می‌شوند. پرونده‌سازی و پاپوش‌دوزی برای کارگران آگاه و فعالان اعتصاب بیش‌ازپیش تشدید شده است. مسدود ساختن کارت تردد کارگران که مقدمه اخراج آن‌هاست، تقریباً به نحو یکسانی در همه مؤسسات و معادن و کارخانه‌ها و پتروشیمی‌ها و صنعت نفت و گاز و در همه‌جا با همدستی کامل نهادهای امنیتی و دستگاه قضایی در حال اجراست.

شواهد زیادی در این زمینه وجود دارد که تنها به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم.

در اعتصاب کارگران مجتمع مس سونگون ورزقان مورخ ۱۴ تیر که در اعتراض به بازداشت دو کارگر پیشرو این معدن آغاز شد، به اشاره کارفرما و به کمک نیروهای امنیتی و واحدهای یگان ویژه که برای سرکوب اعتصاب به محل اعزام و ۵ کارگر دیگر و فعال اعتصاب بازداشت شدند. به دنبال آن ۲۰ کارگر دیگر یا مستقیم به اسارت درآمدند یا بعد از احضار به مراکز امنیتی و قضایی بازداشت و روانه زندان شدند. حدود ۱۰ روز بعد از پایان اعتصاب نیز کارت تردد ۳۰ کارگر مسدود شد.

در اعتصاب کارگران جهان پارس پتروشیمی بوشهر مورخ ۲۸ تیر نیز چند تن از فعالان اعتصاب بازداشت شدند. همچنین تعداد زیادی از کارگران شهرداری‌ها در استان‌های مختلف از جمله استان خوزستان در جریان اعتراضات و تجمعات خویش بازداشت شدند. بر طبق اطلاعیه سندیکای نیشکر هفت‌تپه مورخ هشتم مردادماه سال جاری، تنها در تجمع ۳۱ تیر بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز، ۱۲ تن از کارگران

## تشدید سرکوب و ادامه مبارزه در فولاد

مدیریت گروه ملی فولاد در راستای تشدید فشار بر کارگران پیشرو و مقابله با کارگرانی که در حمایت از رفقای خود دست به اعتراض و تجمع زده‌اند، ۲۰ ساعت از اضافه‌کاری‌شان کسر نموده است. قطع اضافه‌کاری یا کسر کردن از ساعات اضافه‌کاری و نیز عدم پرداخت مزد روزهای اعتصاب یکی از حربه‌های تشدید فشار و سرکوب علیه کارگران است که پیش‌ازین نیز در برخی شرکت‌ها و مؤسسات و کارخانه‌ها از جمله درکشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه به مرحله اجرا گذاشته شده است.

یکی دیگر از ابزارهای تشدید سرکوب کارگران فولاد، تلاش چندباره برای ایجاد شورای اسلامی کار است. مدیریت شرکت از مدت‌ها پیش در همدستی با اداره کار درصد علم کردن یک شورای اسلامی کار برآمده‌اند. تلاشی که کارگران فولاد پیش‌ازین آن را به شکست کشانده‌اند. دو سال قبل نیز کوشش‌های مشابهی از طرف مدیریت و اداره کار برای سرهمبندی کردن یک تشکل ضد کارگری و دولتی یعنی شورای اسلامی کار به عمل آمد که کارگران با تودهنی محکمی به آن پاسخ دادند و آن را خنثی کردند و مانع ایجاد شورای اسلامی شدند. کارگران فولاد اهواز بارها و بارها نفرت خود را از شورای اسلامی کار به‌عنوان یک تشکل ضد کارگری و خیرچین اعلام کرده‌اند. تلاش برای ایجاد شورای اسلامی را این بار مدیریت با توطئه دیگری همراه کرده است. مدیریت تلاش دارد اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل را با ایجاد این "شورا" پیوند زند و به بهانه اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، تعدادی از کارگران را نیز در توطئه برای ایجاد شورای اسلامی فریب داده و با خود همراه کند. کارگران فولاد اهواز مثل همیشه باید هوشیاری و اتحاد خود را حفظ کنند و اجازه ندهند با اقدامات فریبکارانه مدیریت و به بهانه اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، در میان کارگران جدایی و دودستگی ایجاد کند.

در بیانیه مورخ شش مرداد کارگران گروه ملی فولاد تحت عنوان "به دسیسه‌چینی علی کارگران گروه ملی فولاد پایان دهید" نسبت به تلاش‌های "دشمنان طبقه کارگر" که "باز هم به تکاپو افتاده‌اند تا نهاد جاسوسی و تشکیلات ضد کارگری "شورای اسلامی کار" را در گروه ملی و بالای سرکارگر گروه ملی مسلط نمایند" هشدار جدی داده شده است. در این بیانیه که در کانال تلگرامی "صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد" درج شده، ضمن تأکید بر اتحاد کارگران در مقابل "کارفرما و دولت" نسبت به تلاش‌های فریبکارانه مدیریت در زمینه طرح طبقه‌بندی مشاغل نیز هشدار داده شده است. این بیانیه نشان می‌دهد که کارگران فولاد ضمن حفظ اتحاد و حمایت از رفقای خود، در برابر ترغیب‌ها و توطئه‌های مدیریت برای ایجاد نفاق و دودستگی در میان کارگران هوشیارند و اجازه چنین کاری به مدیریت نمی‌دهند.

مبارزات متحدانه چندین ساله کارگران مبارز و آگاه گروه ملی فولاد اهواز به‌روشنی ثابت کرده است که با تشدید سرکوب اقداماتی چون بازداشت و مسدود ساختن کارت تردد کارگران پیشرو نمی‌توان جلو مبارزات فولاد را گرفت و کارگران را خاموش ساخت. وضعیت مبارزاتی در گروه ملی فولاد، جدا از وضعیت عمومی جنبش طبقه کارگر نیست.



## بر علیه سرکوب، حربه زنگ زده جمهوری اسلامی

شورای همکاری

نیروهای چپ و کمونیست

جمهوری اسلامی که در چنبره بحران‌های درهم تنیده سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی گرفتار است بار دیگر ماشین سرکوب خود را در ابعادی گسترده‌تر از پیش بکار گرفته و فعالین جنبش‌های سیاسی و اجتماعی، کارگران و معلمان، زنان، مدرسان جان باختگان، فرهنگ‌ورزان و هنرمندان را آماج قرار داده و به زندان انداخته است. وحشت رژیم از گسترش فزاینده خیزش‌های از پائین و تحرک اجتماعی اکثریت مردمی است که از فقر و فلاکت و تبعیض و اختناق به تنگ‌آمده و می‌خواهند این رژیم از گوربرآمده را به گورستان تاریخ بپارند.

اعتصابات و اعتراضات فزاینده کارگران و معلمان، تحرک اجتماعی انبوهی از نسل جوان به حاشیه رانده شده که سوژه اصلی خیزش‌های بزرگ سال‌های اخیر بوده و نگران کار و آینده بهتر است، مقاومت جسورانه زنان علیه حجاب اجباری و تبعیض جنسیتی، مبارزه دانشجویان بر علیه کالایی شدن آموزش و پادگانی شدن دانشگاه، اعتراضات زحمتکشان و قیام تشنگان که سیاست‌های تخریب محیط زیست رژیم و کمبود آب، زندگی آن‌ها به مخاطره انداخته است، مبارزه فرهنگ‌ورزان و هنرمندان علیه سانسور و برای آزادی بیان و آفرینش خلاقانه آثار فرهنگی و هنری و... همه و همه نشانه‌هایی از وحشت رژیم از گسترش اعتراضات و رشد جنبش‌های از پائین است. اما واقعیت این است که سرکوب و اختناق و زندان دیگر اثر نداشته و حربه‌های کهنه شده و زنگ‌زده‌ای است که نمی‌تواند جنبش‌های اجتماعی را به عقب براند. سیاست سرکوب اما می‌تواند روند معکوس داشته و زمینه ساز تحرک بیشتر این جنبش‌ها شده، بحران در حاکمیت و شکاف در دستگاه سرکوب را ژرف‌تر و شرایط برای سرنگونی جمهوری اسلامی را هموار کند.

تحت چنین شرایط متحولی، اپوزیسیون راست می‌کوشد با سؤاستفاده ابزاری از تحرک جنبش‌های اجتماعی، بند و بست با امپریالیسم و عملکرد ابررسانه‌های وابسته به پول دولتهای ارتجاعی و نیز پیام‌های آشکار و نهان به رهبران سپاه و نیروی‌های نظامی، دستگاه بورکراتیک-نظامی سرمایه‌داری را حفظ و در قدرت سیاسی مشارکت کند. در این شرایط متحول اما فعالین کارگری، پیشروان جنبش‌های اجتماعی و نیروهای چپ و کمونیست تلاش می‌کنند از درون این جنبش‌ها و با اتکا به قدرت جنبش خودگردان کارگران و زحمتکشان، مبارزه بر علیه استثمار و سرکوب را افزایش داده و راه را برای سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، شکل‌گیری دولت‌کارگری و شورایی و برقراری آزادی و برابری هموار کنند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، این بازداشت‌ها را محکوم و همه آزادی‌خواهان را به دفاع از دستگیرشدگان فرامی‌خواند.

### سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

**امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری**
**ایران-حکمنیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت**
**27.7.2022/05.05.1401**

ارزنده‌ای داریم.

اکثریت آگاه کارگران گروه ملی کوچکترین توهمی نسبت به دولت و این وزیر و آن وزیر و یا جلسات شورای تأمین و نهادهای ضد کارگری نداشته و نداریم. ما به‌خوبی میدانیم باید در برابر منافع ضد کارگری کارفرما و دولت متحد باشیم نه این‌که سرخ کنیم و چشم‌پدرهای بسته اتاق جلساتی داشته باشیم که می‌دانیم از دل آن سیاست‌هایی اتخاذ می‌شود که باعث تشدید وخامت وضع موجود و فقیرتر شدن بیشتر ما شده و می‌شود.

آلترناتیو ما به‌جای طرح طبقه‌بندی، دستمزدی برابر و بالای خط فقر و مسکن و امکانات رفاهی برای خود و برای تمام کارگران و کارمندان و بازنشستگان است.

ما داشتن تشکل مستقل و انتخابات آزاد را حق قانونی و اساسی خود و همه کارگران می‌دانیم و قطعاً برای انجام آن کوشش و تلاش خود را به کار خواهیم بست.

ما قاطعانه اعلام می‌کنیم همچون سال‌های قبل تحت هیچ شرایطی اجازه انجام فرایند تشکیل «شورای اسلامی کار» را نخواهیم داد و در مقابل این ترفند و دسیسه‌ها متحدانه خواهیم ایستاد."

اعتصابات کارگری طی دو سه سال اخیر پیوسته گسترش یافته است. اعتصاب در رشته‌های مختلف در حال افزایش است. ارتجاع اسلامی از گسترش این اعتصابات و گذار به اعتصابات گسترده سراسری آنگاه اعتصاب عمومی سیاسی به‌شدت وحشت دارد. چراکه از درون اعتصاب عمومی سیاسی است که قیام مسلحانه شعلور می‌شود و طومار ارتجاع هار حاکم را در هم می‌پیچد.

کارگران فولاد در زمره آکاترین و پیشروترین کارگران کشور هستند و فقط شعار نمی‌دهند "ما کارگران فولاد، علیه ظلم و بیاد می‌جنگیم"، سال‌هاست که عملاً وارد چنین جنگی شده‌اند و از تلفات آن نیز هراسی به دل راه نداده‌اند.

مطلب را با بخش پایانی بیانیه کارگران فولاد که بیان موضع آن‌ها در قبال تلاش‌های فریبکارانه مدیریت و شورای اسلامی کار است به پایان می‌بریم:

"ما کارگران گروه ملی فولاد سال‌هاست همانند دیگر همطبقه‌های‌هایمان تحت شدیدترین ستم‌ها و تبعیض و استثمار قرار داشته‌ایم. برای تغییر شرایطمان سال‌هاست با مافیای گوناگون قدرت و ثروت مبارزه کرده‌ایم و در این راه تجربه‌های



## یورش وحشیانه به زنان جز رسوایی و شکست چیزی عاید رژیم نکرد

از همان آغاز این یورش وحشیانه، روشن بود که تلاش مایوسانه رژیم برای مقابله با زنانی که حجاب را یکسره به دور افکنده و حتی از روسری نیز جز یک نام باقی نگذاشته‌اند، چیزی جز شکست عاید آن نخواهد کرد. چراکه مقابله با میلیون‌ها زن به‌ویژه زنان جوان و دخترانی که حجاب را نشانه‌ای از تبحر و عقبماندگی قرون وسطایی و اسارت و بندگی می‌دانند در میدانی به وسعت سراسر ایران امری محال است. بنابراین، آنچه از این تعرض عاید رژیم شد بدون این‌که حتی کمترین موفقیتی داشته باشد، تصویری از وحشیگری مزدوران پلیس و بسیج رژیم اسلام‌گرا در خیابان‌ها و وسایل نقلیه عمومی علیه زنان بود که در ابعادی میلیونی در شبکه‌های اجتماعی انتشار یافت و خبر آن به تمام جهان مخایره شد.

اسلام‌گرایان مرتجع حاکم بر ایران آنقدر کوراند که نمی‌توانند بفهمد درگیر شدن با جنبشی که نه صدها و حتی هزاران، بلکه میلیون‌ها انسان هم‌زمان در آن در حضور دارند، نتیجه‌ای جز شکست برای آن‌ها در پی نخواهد داشت. واقعیت این است که جنبش زنان در چندین جبهه بر سر مطالبات مختلف در حال جنگ با رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران است، اما فرق است میان مبارزه زنان فرضاً بر سر برابری حقوق زن و مرد در امر طلاق، ارث و تکفل اولاد، یا به رسمیت شناخته شدن حق سقط‌جنین و یا ممنوعیت ازدواج دختران زیر ۱۸ سال، با مبارزه علیه حجاب اجباری. تفاوت در این است که تنها در مبارزه علیه حجاب اجباری است که میلیون‌ها زن هم‌زمان در آن مشارکت دارند. اما در اینجا رژیم فقط با یک مبارزه معمولی هم سروکار ندارد، بلکه با مبارزه‌ای از سوی زنان روبه‌روست که به یک جنگ چریکی توده‌ای بزرگ، در ابعادی به وسعت کشور ایران، شبیه است. در این جنگ، مبارزان جنبش زنان همچون مبارزان یک جنگ چریکی در همه‌جا در تمام خانه‌ها، کوچه‌ها و خیابان‌ها، مدرسه و دانشگاه، وسایل نقلیه و محل کار حضور دارند، بدون این‌که رژیم امکان دسترسی به آن‌ها و گیرانداختن‌شان را داشته باشد. ممکن نیست داروغه‌های اسلام‌گرا در وجب‌به‌وجب کشوری به وسعت ایران قادر به کنترل زنان و مقابله با آن‌ها باشند. مزدوران رژیم آنقدر در این درگیری با زنان درمانده و ناتوانند که هرگاه در مکانی خلوت نیز یکی از این میلیون‌ها زن را گیر می‌آورند، خود را در محاصره مردمی می‌بیند که برای رهایی آن زن از چنگال دشمن بی‌رحم به مبارزه برمی‌خیزند. صحنه‌هایی از تلاش مردم برای رهایی زنان اسیر در چنگال سگ‌های هار موسوم به پلیس گشت ارشاد که در چند هفته گذشته ویدیوهای متعددی از آن‌ها انتشار یافت، به‌قدر کافی گویاست. بنابراین شکست رژیم در تعرض اخیر علیه زنان محتوم بود و به‌زودی حتی سران رژیم مجبور شدند که به آن اعتراف کنند. نخستین کسی که رسماً این شکست را پذیرفت و به آن اعتراف کرد، شخص خامنه‌ای بود که

درواقع خودش از سردمداران سرکوب زنان بوده و هست. او که دریافت وحشی‌گری مزدورانش جز رسوایی، بی‌آبرویی بیشتر و شکست نتیجه‌ای عاید رژیم نکرده است، در دیدار با امامان نماز جمعه، خواستار تبیین مسئله حجاب با "متانت" "رفتار پدرا نه با همه" "پاسخگویی به شبهات با زبان روز" شد. وی روز چهارشنبه هفته گذشته در دیدار با این گروه از مرتجعین زن‌ستیز، خطاب به آن‌ها که در چند هفته اخیر وظیفه‌شان در کنار پلیس، توهین به زنان، تکفیر زنان دین‌باوری که مخالف اجباری هستند و حتی تهدید زنان به اسپدپاشی بود، به رسم معمول، نخست اراجیف همیشگی‌اش را در مورد نقش دولت‌های غربی و عوامل آن‌ها در مخالفت زنان با حجاب اجباری تکرار کرد. درحالی‌که خود این شارلاتان بهتر از هرکس می‌داند، مبارزه زنان علیه حجاب اجباری مبارزه‌ای است به قدمت تمام موجودیت جمهوری اسلامی و زنان بودند که اولین مبارزه را نیز علیه جمهوری اسلامی تنها چند روز پس از به قدرت رسیدن دارو دسته خمینی مرتجع، سازمان دادند و لاقفل در آن مقطع ارتجاع را به عقب‌نشینی واداشتند.

خامنه‌ای در ادامه گفت: "در این هفته در خیلی از خطبه‌های نماز جمعه مسئله‌ی حجاب مطرح شد؛ همین مسائل جاری روز که در فضای مجازی و مانند این‌ها هم هست، در بعضی روزنامه‌ها هم هست، در خیلی از خطبه‌ها هم مطرح شد. خوب، در این زمینه‌ها خیلی باید متین، منطقی و دور از احساسات بی‌مورد برخورد کرد.

ادبیات خطبه باید گرم، صمیمی، اتحاد آفرین، امیدبخش، بصیرت افزا و آرامش‌بخش به مردم باشد نه آنکه موجب اضطراب، حاشیه‌سازی، تلاطم روحی، بدبینی به وضع کنونی و آینده شود و برای هجمه معاندان نیز دستاویز ایجاد کند." روشن است که این توصیه‌ها هنگامی صورت می‌گرفت که یورش سرکوبگرانه جدید رژیم به زنان به شکست انجامیده بود و او می‌بایستی به نحوی این شکست را رفع و رجوع کند. در پی این سخنرانی بود که برخی از مقامات حکومتی و روزنامه‌های وابسته به حکومت نیز زبان باز کردند که ضمن تکرار حرف‌های خامنه‌ای، آن‌ها نیز اعتراف کردند که این تعرض جدید به زنان نمانده نتیجه مثبتی برای رژیم در پی نداشته، بلکه برعکس مخالفت عمومی مردم و نفرت از اقدامات سرکوبگرانه پلیس را در همه‌جا برانگیخته است.

حالا حتی آخوندهای سرشناس حکومتی نیز در ظاهر هم که شده می‌بایستی اعلام کنند با زور کار حجاب اجباری از پیش نمی‌رود. علم‌الهدی این سردسته امامان جمعه چماقدار زن ستیز سه روز بعد از سخنان خامنه‌ای گفت: "ما نمی‌خواهیم هیچ‌کس بازور چادر بر سر کند!" پناهیان نایب‌رئیس پیشین قرارگاه عمار، مشاور کنونی ریاست نهاد نمایندگی خامنه‌ای در دانشگاه‌ها و یکی از سخنران‌های سرشناس مراسم مذهبی دولتی با گفتن این‌که "آلان وقت

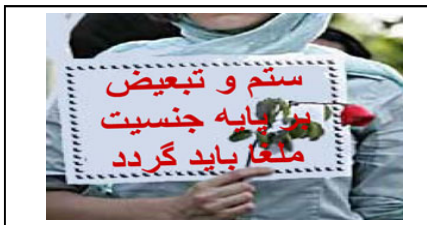
امربه‌معروف در مورد حجاب نیست." آشکارتر از همه به شکست اعتراف کرد.

رئیس پلیس تهران از این‌که در "موضوع مقابله با بی‌حجابی و بدحجابی سایر سازمان‌ها و نهادهای متولی در این زمینه پای‌کار نیامده‌اند" گله کرد و شکست را به گردن آن‌ها انداخت.

این شکست چنان رسوایی برای رژیم به بار آورد که حتی خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران از نفرت و انزجار مردم علیه وحشی‌گری پلیس گشت ارشاد سخن به میان آورد و نوشت: آنچه انعکاس یافته "روایت ناقص و یک‌طرفه از این مسئله سبب شده است تا جوسازی علیه پلیس امنیت اجتماعی شدت بگیرد."

مدیرمسئول روزنامه همشهری، روزنامه‌ای که حالا با تغییر و تحولات درون شهرداری تهران به روزنامه اصولگرایان تبدیل شده است، در یادداشتی نوشت: مردم "برخورد قهری با اقلیت ساختارشکن را نمی‌پسندند." "حجاب که به‌خودی‌خود یک مسئله فرهنگی-اعتقادی است، نباید به امر سیاسی تبدیل شود و کم‌کم اصل هنجارشکنی به حاشیه برود و منازعه بین اسلام‌گرایان و براندازان سکولار جایگزین آن شود." تمام این اظهار نظرها تاییدی است بر شکست رژیم در مقابله با زنانی که به نبردی رویاروی رژیم برای برانداختن حجاب اجباری، برخاسته‌اند.

اکنون با شکست و رسوایی اخیر رژیم، فرصت بهتری برای زنان پیش‌آمده است که بر دامنه تعرض خود علیه حجاب اجباری و دیگر مقررات و اقدامات ارتجاعی حکومت علیه زنان بیفزایند و رژیم را به عقب‌نشینی بیشتر ناگزیر سازند. اما در همان حال که این مبارزه ادامه دارد، زنان هرگز نباید دچار این توهم شوند که رژیم ارتجاعی اسلام‌گرای حاکم بر ایران به خواست زنان برای لغو حجاب اجباری تن خواهد داد و یا از اقدامات سرکوبگرانه و ایدائی خود دست برخواهد داشت. هم‌اکنون نیز گرچه رژیم در مواجهه عمومی با زنان با شکست روبه‌رو شده است، اما همچنان در تلاش است فشار بر زنان را در محل کار و مراکز تحصیلی افزایش دهد که البته این نیز با شکست مواجه خواهد شد. پیروزی زنان در مبارزه با رژیم اما همانگونه که در چند روز گذشته نشان داده شد، نیاز به مداخله و حمایت عمومی مردم ایران دارد. این مبارزات هنگامی به پیروزی قطعی زنان نه‌فقط بر سر لغو حجاب اجباری، بلکه کلیت مطالبات زنان که در برابری کامل حقوق اجتماعی و سیاسی زن و مرد تبلور می‌یابد، خواهد انجامید که جنبش زنان با دیگر جنبش‌های اجتماعی قدرتمند، از نمونه جنبش کارگری و جنبش معلمان برای سرنگونی رژیم استبدادی و مذهبی جمهوری اسلامی متحد گردند. با جاروب شدن بساط این رژیم ارتجاعی و حاکم شدن مردم بر سرنوشت خویش است که مطالبات زنان نیز تحقق خواهد یافت.



## یورش وحشیانه به زنان جز رسوایی و شکست چیزی عاید رژیم نکرد

کردند، هیچ سنگ‌قبری از زنان متوفی نباید بدون رعایت ضوابط حجاب اجباری وجود داشته باشد. مطابق دستورالعمل جدید "سنگ‌قبر متوفیان غیر محجبه و بدحجاب" باید اصلاح شود. وظیفه اجرای آن نیز در تهران بر عهده مدیرعامل سازمان بهشت‌زهره، قرار گرفت. وی نیز اعلام کرد: "در شأن آرامستان مؤمنان نیست که تصویر خانم‌های مؤمن را به شکل کشف حجاب و بی‌حجاب روی سنگ‌های قبر حکاکی کنند." به خانواده‌های زنان متوفی "غیر محجبه و بدحجاب" اخطار داده شد که سنگ‌قبرها را تعویض کنند و چنانچه خانواده‌ها ضوابط حجاب اجباری در مورد مردگان را رعایت نکنند و سنگ‌قبرها تعویض نشود، مسئولین بهشت زهرا مبادرت به تخریب سنگ قبرها خواهند کرد. یک چنین اقداماتی تنها از یک رژیم ارتجاعی ورشکسته و رسوا ساخته است که در آخرین

لحظات حیات ننگینش برای نجات از مرگ حتمی به هر اقدام وحشیانه و مسخره‌ای چنگ می‌اندازد. اما این اقدامات هرگز نمی‌تواند رژیم را که دوران حیاتش سپری شده و در میان توده‌های وسیع مردم ایران به کلی رسوا و بی‌اعتبار است، نجات دهد.

بهرغم تمام وحشی‌گری و سرکوبی که در چند هفته گذشته توسط رژیم علیه زنان به مرحله اجرا گذاشته شد و حتی تصویر زنان مبارز شکنجه شده در اسارت رژیم در تلویزیون به نمایش گذاشته شد، اما مقاومت قهرمانانه زنان بدون کمترین عقب‌نشینی ادامه یافت. این مبارزه و ایستادگی زنان که از حمایت عموم مردم ایران نیز برخوردار گردید، یک شکست، همراه با یک رسوایی بزرگ دیگر برای جمهوری اسلامی و نمایندگان خدا و پیامبر اسلام بر روی زمین بود.

در صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایند.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بر روی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 981 August 2022



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

### اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دمکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دمکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۲/۳  
مشخصات جدید تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

**Alternative Shorai**

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: [shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org> ، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی